# باب چهل و چهارم

در نهی از استغفار نزد عباد**[[1]](#footnote-1)**

در کتاب مستطاب اقدس ميفرمايند قوله تعالی:

"ليس لأحد ان يستغفر عند احد توبوا الی اللّه تلقآء انفسکم انّه لهو الغافر المعطی العزيز التّواب." (بند ۳۴)

و در لوح رستم ميفرمايند قوله تعالی:

"جز حضرت رحمن بر آمرزش گمراهان و گناهکاران قادر نبوده و نيست. کسی که هستی نيافته چگونه هستی بخشد و صاحب خطا چگونه از خطا گذرد." ( مجموعه بزرگ طبع مصر صفحه ٢۵٨)

و در کتاب اقدس ميفرمايند قوله تعالی:

"من ابتلی بمعصية فله ان يتوب و يرجع الی اللّه انّه يغفر لمن يشآء و لا يسئل عمّا شآء انّه لهو التّوّاب العزيز الحميد." (بند ۴۹)

و در لوح بشارات ميفرمايند:

"بشارت نهم بايد عاصی در حالتيکه از غيراللّه خود را فارغ و آزاد مشاهده نمايد طلب مغفرت و آمرزش کند. نزد عباد اظهار خطايا و معاصی جائز نه چه که سبب و علّت آمرزش و عفو الهی نبوده و نيست و همچنين اين اقرار نزد خلق سبب حقارت و ذلّت است و حقّ جلّ جلاله ذلّت عباد خود را دوست ندارد انّه هو المشفق الکريم. عاصی بايد مابين خود و خدا از بحر رحمت رحمت طلبد و از سماء کرم مغفرت مسئلت کند و عرض نمايد

الهی الهی اسئلک بدمآء عاشقيک الّذين اجتذبهم بيانک الأحلی بحيث قصدوا الذّروة العليا مقرّ الشّهادة الکبری و بالأسرار المکنونة فی علمک و باللئالی المخزونة فی بحر عطائک ان تغفر لی و لأبی و امّی انّک انت ارحم الرّاحمين لا اله الّا انت الغفور الکريم. ای ربّ تری جوهر الخطاء اقبل الی بحر عطائک و الضّعيف ملکوت اقتدارک و الفقير شمس غنائک ای ربّ لا تخيّبه بجودک و کرمک و لا تمنعه عن فيوضات ايّامک و لا تطرده عن بابک الّذی فتحته علی من فی ارضک و سمائک. آه آه خطيئاتی منعتنی عن التّقرب الی بساط قدسک و جريراتی ابعدتنی عن التّوجه إلی خباء مجدک قد عملت ما نهيتنی عنه و ترکت ما امرتنی به اسئلک بسلطان الأسماء ان تکتب لی من قلم الفضل و العطاء ما يقرّبنی اليک و يطهّرنی عن جريراتی الّتی حالت بينی و بين عفوک و غفرانک. انّک انت المقتدر الفيّاض لا اله الّا انت العزيز الفضّال."

1. نهی از عادت و رويّه مسيحيانست که در نزد روحانيين خود اقرار بمعاصی خويش کرده و از آنان آمرزش گناهان مسئلت کنند. [↑](#footnote-ref-1)